

تناه از لیست

مامان، مامان کجائی؟ بیا، بیا امروز خانم معلم سرکلاس آمد به بین چندتادفتر باید برام بخری. دفترا باید خوب باشه، دوپست برگی باشه، جلش قمرز باشه فهمیدی یک، دو، سه، چهار تا باید بخری، خانم معلم که دیروز سرکلاس آمد گفت دو تا باید بخری.

شش تادفتر؟ اینهمه دفتر میخواهی چه بکنی؟

میخواهم چه بکنم؟ خانم معلم گفته باید همین امشب بخری. قلم خود نویس پارسالی ام دیگه پدرم نمیخوره باید یک قلم خود نویسم برام بخری.

راستی مامان صورت کتابمو که دیروز بهت دادم خریدی؟

صورت کتابتو دیدم، نصف کتابها تو که داریم، کتابهای پارسال برادرت هست. آلهائی را که نداری باید بخری.

به، مامان به خیالت رسید، کتاباروسری سری کرده میفروشند. باید هرکس میخواد تمام آنها را بخرد و آگه نه نمیفروشن. کتابفروش به پرویز که رفته بخرد گفته دانه ای نمیفروشم سری کتابو ناقص نمیکنیم.

پس بگو باید پولودور ریخت، کتابی رو که داریم چرا بخیریم بگه پولی که از گلوی کتابفروشی پائین میره از گلوی خودما پائین نمیره. از قدیم میگفتن بچه های پشت سرهم این سفقت راداران که لباس اولی کوچیک میشه بدومی میدیم، کتابهای امسال

یااله - یااله، من این حرفها سرم همیشه، یاالان پنجا تومن میدی یا بالگد میزنم تلویزیونو خرد میکنم، مدرسه هم نمیرم و ناهارم را که درست کردی دیگشومی اندازم وسط کوچه.

بابا من که پول سکه نمیزنم، حالا این چهل تومنو بگیر برو کتاب بخرد از اینجا تا مدرسه هم یک خیابونه ناهار بیاخونه بخور تا فردا پول تهیه کنم.

کورو خوندی. من با این حرفا از در بیرون نمیرم، یک لگد میزنم تلویزیونوله و لورد میکنم تا بدونی باکی طرفی.....

باید بچه تو خودت ببری مدرسه، هر روز باید ببری، من فرصت ندارم، بکارخونه برسم یا اونو ببرم مدرسه.

بابا من کارم ساعت ۷ شروع میشه، ساعت $\frac{1}{4}$ باید از خانه بیرون بروم، آخراز

ساعت $\frac{1}{4}$ تا ساعت ۸ که زنگ مدرسه

میخوره این بچه چه بکنه، بعلاوه این چند روز که او را مدرسه بردم هر روز توی ترافیک گیر کردم. خودم ساعت ۸ به اداره رسیدم اونجا روچی جواب بدم سر ماه از حقوق کم میکنند تازه بنا منظم بودن هم متهم میشم آنوقت بقول تو نه بابای خوبی هستم برای فرزندم نه شوهر خوب و حرف شنو برای تو، نه کارمند منظم. من بدبخت چه بکنم؟ چه گناهی کردم که زن و بچه دار شدم؟

اینو سال دیکه بدومی میدیم . پسریم کتاب برادرت را بردار هر کدام را که نداری برایت میخرم .

- مامان بخدا کتابفروشی دانه‌ای نمیده باید سری بخریم .

- این که صرفه جوئی نشد ، کتابی را که داریم دوباره بخریم . این پول هدر دادن و حیف و میل کردن است ، من میتوانم این پول را بهزار خرج دیکه بزنم

آنچه خواندید نتیجه استراق سمعی بود که از پشت درخانه‌های واقع در سیرم ظرف چند روز در اوقات مختلف کردم . البته در این زمینه موارد مشابه بسیار بود ولی از بین همه آنها بدکرسه مورد پرداختیم تا خوانندگان را بطرز تفکر دانش آموز ، مادر ، پدر و کتابفروش آشناتر سازیم . حدود یک ماه از آغاز سال تحصیلی میگذرد . سالی که مقارن با رستاخیز ملت ایران است ، سالی که باید همه با تلاش و کوشش و یکپارچگی علمدار رستاخیز باشند ، سالی که بمناسبت آغازش شاهنشاه طی پیامی خطاب به آموزگاران ، دبیران ، متصدیان و مسئولان امور آموزشی کشور و دختران و پسران دانش آموز فرمودند : « اکنون که سال تحصیلی تازه آغاز میشود توفیق هرچه بیشتر همه آموزگاران ، دبیران ، متصدیان و مسئولان امور آموزشی کشور و کلیه دختران و پسران دانش آموز کشور را خواستاریم و از همه آنان انتظار داریم که با توجه کامل به وظایف و مسئولیتهای خطیر ملی و میهنی و اجتماعی و لردی خود کمال کوشش را در راهی که مستقیماً با سرنوشت و ترقی و سعادت مملکت و ملت آنها ارتباط دارد بکار برید .

مجدداً در آغاز سال تحصیلی تاکید

میانیم که در ایران عهد رستاخیز ، توجه مداوم و مستمر به آموزش و پرورش کلیه افراد لازم‌التعلیم با ملاحظه نیازهای جامعه دوران تمدن بزرگ کماکان از اولویت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود و در این راه بهمان‌گونه که بارها خاطر نشان کرده‌ایم کودکان ، نوجوانان و جوانان بمنابه مؤثرترین و ارزنده ترین سازندگان اجتماعی پیشرو و خوشبخت ایران امروز و فردا تلقی میشوند ، از این رو انتظار داریم کلیسه دانش آموزان کشور با آموزش هرچه بهتر و کسب علم و دانش همراه با حق جوئی و فضیلت و تقوی خود را برای ورود به دوران تمدن بزرگ آماده نمایند .

پیام شاهنشاه از رادپو و تلویزیون پخش گردید و همه آحاد و افراد مملکت از شهرنشین تا سرز نشین شنیدند اما باز هم باید بشنوند و متن آنرا در مطبوعات بخوانند تا بوظایف خود و بمسئولیتهای خود واقف تر و آماده تر شوند ، تا مسئولیت‌ها را درک کنند ، حقوق خود را بشناسند ، از راه فضیلت و تقوی منحرف نشوند و با شناخت حق بدنبال آن بروند . - آن دانش آموزی که صبح مادر خود را به شکستن تلویزیون ، نرفتن بمدرسه و انداختن دیک غذا بوسط خیابان تهدید میکند حق خود را نمیشناسد .

- آن مادری که برای فرستادن فرزندش بمدرسه هر صبح باشوهر خود بگومگو میکند و کارشوهرش را سرسری و بی ارزش میندازد و برای کار و وقت او حرمت قائل نمیشود حق خود را نمیشناسد .

- آن کتابفروشی که خریدار را ملزم بخریدن یک سری کتاب میکند و حال آنکه خریدار فقط بیک یادو جلد آن نیاز دارد حق خود را نمیشناسد .



است که یکی از این افراد بدون تردید مادر و پدر است. اگر امروز پول نداشت که حاجت فرزند را برآورد و خواسته او را اجرا کند و آنرا بفردا سوگول کرد آیا سزاوار فحش و ناسزا است؟ فرزندی که احترام پدر و مادر را نگاه ندارد و حق آنها را رعایت نکند محققا احترام افراد جامعه را نگاه نخواهد داشت و بحقوق آنها تجاوز خواهد کرد.

برای پیشگیری از این تجاوزات بهترینست که در خانواده و مدرسه، وظیفه، تکلیف و حق به نوباوگان تفهیم شود تا آنها با آگاهی از وظایف و تکالیف و حقوق خود حق جوئی کنند.

جوانان از کودکی و نوجوانی در خانواده عادت کرده‌اند بازور حرف خود را به کرسی بشانند و یناحق، حقی کسب کنند، پس این مکتب ما

فقط آموزگار یادبیر، مسئول امور آموزشی نیستند کسان دیگری هم در این امر مهم مسئولیت دارند که شاهنشاه تا کید فرمودند و مسئولان امور آموزشی، کتابفروشی هم که کتاب میفروشد بنوعی مسئولیت آموزش بعهده دارد.

نوجوانان، جوانان با الهام از پیام شاهنشاه باید بدنبال کسب علم و دانش همراه با حق جوئی و فضیلت و تقوی بروند.

آیا این حق است که پسری صبح، ناشتائی آماده شده خود را میل بفرماید و برای گرفتن پول برای صرف ناهار در خارج از منزل جارو جنجال راه بیندازد و مادر را ناسزا گوید و تهدید کند؟ آیا این تهدید و ناسزا گوئی دوزخ فضیلت نیست؟ یکی از فضائل انسانی ادب و حرمت گذاشتن با افراد واجب الاحرام

خطای جوان نیست، این خطای مربیان آنهاست که از روز نخست که کودک خواسته است عروسک خواهر یا برادریا همبازی خود را بگیرد و او نداده کودک جیغ و گریه و داد و فریاد راه انداخته و برای جلوگیری از داد و فریاد او کودک بزرگ را مجبور کرد اندک عروسک خود را بکودک کوچکتر بدهد. توالی این رفتار موجب گردید که کودک زورگو بار بیاید و هرچه را میخواید بازو بست بیآورد غافل از اینکه نوجوانی که امروز بمادر و پدر پررخاش میکند و برای انجام تقاضاهای خود بزور متوسل میشود گناهی ندارد، اودست پرورده همان مادر و پدر است. در کودکی بخوهر و برادر، در نوجوانی پیدر و مادر و در جوانی بجامعه زور میگوید.

اگر پدران و مادران جوان رعایت این نکات را نکنند و اختلافات خود را دور از چشم فرزندان حل و فصل کنند بطور مسلم فرزندان بخود اجازه بیحرمتی بپدران و مادران نخواهند داد و وقتی بحرمت گذاشتن عادت کردند حرمت معلم و استاد بجا خواهند آورد و نظم جامعه حفظ خواهد شد.

حفظ نظم هر جامعه بعهده افراد آن جامعه است اگر مقید به حفظ نظم شدید حق تقدم عابر یا راننده را درک میکنیم، حق تقدم در صف اتوبوس یا تاکسی را درک میکنیم بحقوق افراد احترام میگذاریم وقتی بحقوق آنها احترام گذاریم بحقوق ما احترام میگذارند.

داسن مادر اولین و خانواده دومین مکتب برای آموزش است، پس از این دو مرحله بمرحله سوم دبستان میرسیم. اگر به دبستان خوب تحویل دادیم از دبیرستان خوب تحویل خواهیم گرفت والا بمحض آنکه زوری در بازی خود احساس کرد، میخواهد برای هر حرف و عملی زور آزمائی کند و قدرت بازو و نیروی زانوی خود را بشما نشان دهد آنوقت است که با مشت گره کرده بروی رادیو میکوبد و با نوک پا تلویزیون را از کسار می اندازد و سن و شما و امثال ما را تهدید میکند. گناه از او نیست..... از کیست....؟

پدران و مادرانی که تربیت اولاد را سرسری می پندارند و فقط فکر آسایش آتی خود را می کنند و به عاقبت رفتار خود نمی اندیشند سرنوشتی غیر از این نمیتوانند داشته باشند. کودک چون صفحه گرامافون و نوار ضبط صوت آنچه را بشنود بازگو میکند، اگر کلام زشت ادا میکند او گناهکار نیست. کودک از رفتار پدر و مادر در خانواده الگو برمیدارد اگر پدر و مادر الگوی خوبی نیستند او خطا کار نیست.

ممکنست پدران و مادران ناسازگار و جنایت پیشه احیانا فرزند خوب و سر براه و متفکری داشته باشند ولی وجود چنین فرزندی در آنچنان خانواده ای از نوادر روزگار و فرزند جزه نوانگ است و ما با استثنائات کاری نداریم ما باید واقییتها را به بینیم.

فحش کودک در زبان کود کانه و در سنین بین ۲ تا ۳ سال شیرین است اما آیا اگر همان فحش را کودک ده ساله بدهد باز هم شیرین است؟